





دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد  
رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

معناشناسی ابدیت در شعر سهراب سپهری و قیصر امین پور

استاد راهنما

دکتر زهرا غریب حسینی

استاد مشاور

دکتر جلیل شاکری

نگارنده

مهديه پراک

اسفند ۱۳۹۲



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان  
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد  
رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

مهدیه پراک

### عنوان پایان‌نامه

معناشناسی «ابدیت» در شعر سهراب سپهری و قیصر امین پور

در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه‌ی عالی به تصویب نهایی رسید.

- |   |                      |                          |       |
|---|----------------------|--------------------------|-------|
| ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه                           | دکتر زهرا غریب حسینی | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضاء |
| ۲- استاد مشاور پایان‌نامه                             | دکتر جلیل شاکری      | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضاء |
| ۳- استاد داور داخل گروه                               | دکتر حمید جعفری      | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضاء |
| ۴- استاد داور داخل گروه                               | دکتر روئین تن فرهمند | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضاء |
| ۵- نماینده تحصیلات تکمیلی دکتر اسماء ایلخانی زاده منش |                      | با مرتبه‌ی علمی استادیار | امضاء |

تمامی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های  
حاصل از پژوهش موضوع این پایان نامه، متعلق به دانشگاه  
ولی عصر(عج)رفسنجان است.

# تقدیم به:

بندگان خوب خدا! آنان که به جای پیشانی شان، دست ایشان میزبته است؛ مثل

«مادرم»

و «پدرم»

آنان که وجودشان همواره مایه‌ی شادی و دلگرمی ام بوده؛ مثل برادرانم  
و «دینا» که بودنش معنای زندگی مان است.

## پاسکزاری

پاس فراوان از لطف پروردگار مهربان که توفیق تمام این پژوهش را به من ارزانی داشت. بر خود لازم می‌دانم از همه ی عزیزانی که مراد انجام این پژوهش یاری رسانند، تقدیر و تشکر کنم: مژگان از استاد بزرگوارم، سرکار خانم غریب حسینی، که شایسته ی هر نوع پاس، تجلیل و تکریم اند. ایشان که در کمال سعی صدر، با حسن خلق و فروتنی بی اندازه، از پیچ‌گلی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهمایی این پایان نامه را بر عهده گرفتند؛

و جناب آقای دکتر جلیل شاکری، استاد مشاور ارجمند که صبورانه، با ارایه ی راهنموده های سازنده، در تمامی مراحل پایان نامه مراجعت و تشویق نمودند. هم چنین از اساتید فرزانه ام؛ جناب آقای دکتر جعفری و جناب آقای دکتر فرهمند که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند؛ کمال تشکر را دارم.

و نیز از همه ی اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی که در طول دوران تحصیل در دوره ی کارشناسی و کارشناسی ارشد برای آموزش اینجانب زحمت کشیدند و من افتخار دانشجویی آنان را دارم؛ خالصانه پاسکزارم. و پاس از خانواده ی عزیزم که قلب بزرگشان فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهشان به شجاعت می‌گراید. در مقابل این همه عظمت و سئوه شامزانه توان پاس است و نه کلام و وصف.

## چکیده

آرزوی بی‌مرگی، «فنا فی‌الله» یا ابدیت، بازتاب وسیعی در شعر و ادب پارسی داشته است. سهراب سپهری، شاعر عارف معاصر که از عرفان شرق آسیا بهره‌ای زیاد دارد، همواره در آثارش، با گونه‌ای تلاطم درونی، عملاً این موضوع را مطرح نموده است. برای مثال «سفر کردن» یکی از این موارد است. وی سی و دو شعر با مضمون «سفر کردن» دارد که بیست و دو مورد آن، سفرهای معنوی هستند که نوعی سفر به ابدیت اند زیرا او از سفر استفاده می‌کند تا از این جهان و زندگی روزمره هجرتی داشته باشد به سوی جاودانگی. و دیگر اشعار شامل سفر به کودکی یا سفرهای جغرافیایی اند. از سوی دیگر در برخی از این سفرها، زن اثیری-اساطیری، که به نوعی تجلی کهن‌الگوی «آنیما»ست، شاعر را عاشقانه تا مرحله اعتلای روح همراهی و راهنمایی می‌کند. هم‌چنین درختان و گیاهانی نیز در شعر سپهری وجود دارد که بر ابدیت دلالت می‌کنند و عبارتند از: درخت سرو، کاج؛ گل نیلوفر، گل سرخ؛ و میوه‌هایی چون سیب، انگور و... قیصر امین‌پور نیز شاعر دیگری است که نمی‌توان او را به صراحت عارف دانست اما با توجه به بررسی محورهای شعری‌اش همچون سفر کردن، نمادهای ابدی در سروده‌های او و برخورد متفاوت او با مرگ در اشعارش و... می‌توان گفت اشعار عارفانه‌ای دارد که بر نوعی درد جاودانگی دلالت می‌کنند. در این پژوهش برآنیم برای درک بهتر مفهوم و مصادیق ابدیت، از دو شگرد متداول معناشناسی یعنی «نماد» و «تقابل‌های معنایی» استفاده کنیم. روش انجام پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل یافته‌هاست.

**کلیدواژه:** معناشناسی، ابدیت، سهراب سپهری، قیصر امین‌پور، نماد، تقابل‌های معنایی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول
۱	مقدمات پژوهشی
۱	۱-۱ طرح مسأله و اهمیت پژوهش
۲	۲-۱ هدف‌های پژوهش
۳	۳-۱ پرسش‌های پژوهش
۳	۴-۱ فرضیه‌های پژوهش
۳	۵-۱ مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده
۴	۶-۱ روش انجام پژوهش
۵	فصل دوم
۵	کلیات
۵	۱-۲ معناشناسی
۹	۲-۲ معنی‌شناسی و زبان‌شناسی
۱۰	۳-۲ معنی‌شناسی و نشانه‌شناسی
۱۱	۴-۲ نماد
۱۲	۵-۲ ابدیت
۱۳	۱-۵-۲ ابدیت در قرآن:
۱۴	۲-۵-۲ ابدیت از دیدگاه فلاسفه و عرفا
۱۹	فصل سوم
۱۹	معناشناسی ابدیت در شعر سپهری و امین‌پور
۱۹	۱-۳ زندگی‌نامه
۱۹	۱-۱-۳ سهراب سپهری
۲۰	۲-۱-۳ قیصر امین‌پور
۲۳	۱-۲-۳ سفر
۴۴	۲-۲-۳ درختان و گیاهان نمادین
۴۷	۱-۲-۲-۳ کاج:
۴۸	۲-۲-۲-۳ سرو
۵۰	۳-۲-۲-۳ سپیدار(تبریزی، چنار)



صفحه	عنوان
۵۲	۴-۲-۲-۳ گل افاقیا، گل سرخ، گل نیلوفر
۵۵	۵-۲-۲-۳ بهار و برگ سبز
۵۶	۶-۲-۲-۳ میوه خدا = سیب
۵۸	۷-۲-۲-۳ انگور
۵۹	۸-۲-۲-۳ گیاهی در هند
۶۰	۳-۲-۳ شب
۶۳	۴-۲-۳ کبوتر
۶۵	۵-۲-۳ شبنم
۶۵	۶-۲-۳ زن
۷۱	۷-۲-۳ رنگ‌ها
۷۲	۱-۷-۲-۳ آبی (پیوست ۱)
۷۵	۲-۷-۲-۳ سبز (پیوست ۲)
۷۷	۳-۷-۲-۳ سرخ (پیوست ۳)
۷۹	۲-۳ تقابل‌های معنایی ابدیت
۷۹	۱-۳-۳ هیچ
۸۰	۱-۱-۳-۳ هیچ خوشرنگ
۸۱	۲-۱-۳-۳ هیچ ملایم
۸۳	۲-۳-۳ مرگ
۸۹	فصل چهارم
۸۹	نتیجه‌گیری
۹۱	پیوست
۹۵	منابع

## فصل اول

### مقدمات پژوهشی

#### ۱-۱ طرح مسأله و اهمیت پژوهش

معناشناسی از نام یونانی (sema) به معنی نشانه، و فعل (semaino) یعنی معنی دادن، اقتباس شده است. در این دانش محتوای زبان بررسی می‌شود و مقصود معناشناسی، شناخت امکانات انتقال و عوامل بازدارنده‌ی ارتباط میان معنا، میان کسانی است که با یک زبان با هم سخن می‌گویند. در دانش معناشناسی هر کلمه تنها ذکر نمی‌شود بلکه به تمام مراحل که این واژه از آغاز پشت سر گذاشته، توجه می‌شود. (فضیلت، ۱۳۸۵: ۶۲) مطالعه‌ی شبکه‌ی روابطی بین صورت زبان و پدیده‌های جهان خارج و مفاهیم ذهنی ما در قلمرو معناشناسی قرار می‌گیرد.

حوزه‌ی ادبی معناشناسی به مواردی همانند: استعاره، تشبیه، تضاد، ترادف، کنایه، ایجازهای ادبی، نماد یا سمبل و تأویل گرایش دارد.

از اواخر قرن چهارم کتب عرفانی گوناگونی تألیف شد. مسائل عرفانی نیز ریشه در ادب فارسی دوانیده است. از سوی دیگر ابدیت یا اعتقاد به جاودانگی جزء خواسته‌های فطری انسان بوده است. گرایش به ابدیت یک مفهوم کلی است که دارای مصادیق فراوانی است. از جمله فنا و بقاء، وحدت وجود، محو، استغراق و

اگر ابدیت را مرکز یک سیستم معنایی قرار دهیم، این مفهوم دارای طیف وسیع معنایی می‌شود که بررسی و تحلیل حوزه‌ی معنایی آن، ویژگی اصلی این پژوهش است. در این پژوهش تلاش بر آن است که علاوه بر تبیین میدان معناشناسی مفهوم ابدیت، نشانه‌ها و رمزگان دال و مدلول ابدیت در شعر دو شاعر معاصر؛ سهراب سپهری و قیصر امین پور بررسی شود. کلیت شعری این شعرا، شعر عرفانی ساده و همه‌فهم است و آنها در این زمینه به زیبایی شناختی خاصی دست پیدا کرده‌اند. دلیل اصلی‌ترین پشتوانه‌ی هنری و سرمایه‌ی تأثیر کلام؛ همان درون‌مایه‌های عرفانی است. خاستگاه اصلی نمادها همان نگرش شهودی به دنیاست. به عنوان نمونه در شعر سهراب سپهری، شاعر گرایشی به طبیعت دارد و همگان را به بازگشت به آن دعوت می‌کند و با آن احساس یگانگی می‌کند.

«می‌دانم سبزه‌ای را بکنم خواهم مرد...»

\*\*\*

«صبح‌ها وقتی خورشید درمی‌آید متولد بشویم...»

\*\*\*

در شعر قیصر امین پور نیز مفاهیم ابدیت به زبانی که خاص خود شاعر است، بیان شده است. به عنوان مثال می‌توان به شعر «سبز» در مجموعه‌ی آینه‌های ناگهان اشاره کرد:

«خوشا چون گل به فصلی، سرخ مردن

خوشا در فصل دیگر، زاندنی سبز» (امین پور، ۱۳۷۲: ۱۵۸)

شاعر در این شعر، مردن را به رنگ سرخ می‌بیند و به حیات مجدد که به رنگ سبز است، اشاره

می‌کند.

## ۱-۲ هدف‌های پژوهش

مقصود از این پژوهش بیان دایره‌ی معنایی مفهوم ابدیت در شعر دو شاعر یاد شده و مشخص کردن نمادها و اصطلاحات مربوط به آن است. تحلیل مفهوم و معنای ابدیت می‌تواند زمینه‌ساز خوانشی تازه و فهمی بهتر از شعر معاصر و کارکرد اصطلاحات عرفانی مربوط به آن شود. از آنجایی که نوآوری مفاهیم در مورد دوره‌ی خاصی نیست، بلکه همواره در طول قرون و اعصار یافت می‌شده است، پس در شعر معاصر به خصوص شعر سهراب سپهری و قیصر امین پور که این مفهوم با عباراتی هنرمندانه متشکل از عوامل زبانی و معنایی به وجود آمده است و باعث شده تا این مفهوم در حوزه‌ی زیباشناسی معنای خاصی پیدا کند.

## ۳-۱ پرسش‌های پژوهش

- ۱- مصادیق معنایی مفهوم ابدیت در شعر سهراب سپهری و قیصر امین‌پور کدام است؟
- ۲- رمزگان و نمادهای معنایی شعر سهراب سپهری و قیصر امین‌پور چیست؟
- ۳- سیر معنایی مفهوم ابدیت در ارتباط با انسان و خدا دارای چه ویژگی‌هایی است؟

## ۴-۱ فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد مصادیق مفهوم ابدیت در شعر سهراب سپهری و قیصر امین‌پور وجود دارد همچون: فنا و محو
- ۲- نشانه‌ها و نمادهای ابدیت شعر سهراب سپهری و قیصر امین‌پور دارای معانی عرفانی هستند، مثل رنگ سبز برای جاودانگی، رنگ قرمز نماد شهادت و...
- ۳- مفهوم ابدیت دارای دو وجه است: یک وجه آن در قلمرو تمایلات ذاتی انسان قرار می‌گیرد و دیگر وجه آن در حوزه‌ی صفات خداست.

## ۵-۱ مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده

شعر سپهری دارای مضامین گوناگونی همچون طبیعت‌گرایی، درون‌گرایی، دعوت به آرامش و... است. و از آنجایی که وی در حوزه‌ی نقاشی هم فعالیت داشته است، و علاوه بر شاعری، نقاش چیره‌دستی نیز بوده‌است، کتاب‌های مختلفی پیرامون شعر و نقاشی وی تألیف شده و از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌است. درمورد شاعر- نقاش بودن او چند کتاب تألیف شده‌است. از جمله شهناز مرادی کوچی، به جمع‌آوری مقالاتی پیرامون شعر و نقاشی اقدام کرده است. همچنین کریم امامی و داریوش آشوری نیز در کتاب «و پیامی در راه» (۱۳۵۹) نگاهی نقادانه به شعر و نقاشی وی داشته‌اند. سیروس شمیسا در کتابش «نگاهی به سهراب سپهری» (۱۳۷۵) علاوه بر تحلیل اشعار او به بررسی عروض و قافیه، مسائل زبانی و زیبایی‌شناختی شعر او پرداخته است. سیما وزیرنیا و غزال ایراندوست تأثیر رنگ‌ها را در دفاتر شعری سپهری بررسی کرده‌اند و همچنین به بررسی و شناسایی نمادهای رنگی در شعر او پرداخته‌اند (۱۳۷۹). عماد حجت پژوهشگر دیگری است که هشت کتاب را در کتاب «به باغ همسفران» (۱۳۷۸) تحلیل کرده است. محمد حقوقی هم در کتاب «شعر زمان ما (۳)» سیر تحول شعری او را در هشت کتاب

بررسی کرده است. علاوه بر این، مقالات گوناگونی پیرامون عرفان سپهری، نمادهای شعری او نگاشته شده است از جمله مقاله «هم پیوندی درخت و اشراق و بازتاب آن در شعر سهراب» (۱۳۸۹) از سکینه رسمی که جلوه های متعدد هم پیوندی اشراق و درخت و مبانی آن را مطرح نموده است یا مقاله عرفان سهراب سپهری از هادی خدیور و سمیرا حدیدی (۱۳۸۸) که در خصوص چگونگی تأثیر پذیری سپهری از شخصیت‌ها و مکاتب عرفانی و مبانی مهم در عرفان می باشد، از جمله اعتقاد به وحدت وجود و وحدت ادیان و یا مقاله باغ عرفان سهراب (۱۳۸۴) از زرین واردی که وجوه مختلف نگرش های عرفانی سهراب از جمله مشابهت‌ها و اختلافات عرفانش با عرفان کلاسیک مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین شعر قیصر امین پور که بیشتر در حوزه‌های دفاع مقدس بررسی شده است و مضمون‌هایی چون عشق به انسان، وطن، مقاومت، جنگ، مضامین عاشورایی و ادبیات آیینی در شعر او بررسی شده است. «این روزها که می‌گذرد» (۱۳۸۸) از جمله کتبی است که توسط ارمغان بهاروند درباره‌ی شعر امین‌پور تألیف شده است. مقالاتی نیز پیرامون سروده‌های امین‌پور نوشته شده است. شعر «القبای درد» او توسط سهیلا فرهنگی تحلیل نشانه‌شناسی شده است (۱۳۸۹). هم‌چنین عبدالله حسن‌زاده میرعلی و ابراهیم کنعانی دو نفری هستند که به بررسی الگوی نشانه معناشناسی گفتمانی در شعر او پرداخته‌اند و شعر «القبای درد» را نشانه‌شناسی کرده‌اند. اما شعر این دو شاعر از منظر پیدا کردن دایره‌ی معنایی واژه‌ای ابدیت، مورد توجه قرار نگرفته است که هدف این پژوهش است. و در شعر هیچ‌کدام، در حوزه‌ی معناشناسی ابدیت، پژوهشی انجام نشده است. مخصوصاً پیدا کردن دایره‌ی معنایی واژه‌ای خاص، مورد توجه قرار نگرفته است که هدف این پژوهش معناشناسی و یافتن محدوده‌ی اصطلاح عرفانی «ابدیت» است.

### ۱-۶ روش انجام پژوهش

این تحقیق مطابق شیوه‌ی متداول پژوهش‌های علوم انسانی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و یادداشت‌برداری از کتب و مقالات است.

## فصل دوم

### کلیات

#### ۲-۱ معناسناسی<sup>۱</sup>

معنی‌شناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود که معنی واژه‌ها، جملات و متون را مورد تحلیل قرار می‌دهد و از دیدگاه‌های مختلف به شکلی نظام‌مند مطرح می‌سازد. «گرماس<sup>۲</sup> معناسناسی را علمی می‌داند که ساخت‌های<sup>۳</sup> بنیادین فرایند معناسازی<sup>۴</sup> را مورد مطالعه قرار می‌دهد.» (دینه سن<sup>۵</sup>، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

معنی‌شناسی سنتی یا کلاسیک در دانش زبان‌شناسی در محدوده‌ی طبقه‌بندی انواع معانی به کار می‌رود و به ویژه با طبقات یا مقولاتی چون چندمعنایی، تشابه و... سروکار دارد. موضوعات اصلی این دسته از مطالعات را اسم، صفت و فعل تشکیل می‌دهد و به ویژه به تغییر معنایی، انواع و دلایل آن توجه می‌شود. در این میان، معنی در کل، تصویری در نظر گرفته می‌شود که از مصادیق جهان خارج در قالب واژه‌ها پدید می‌آید. (صفوی، ۱۳۸۹: ۲۱۲)

---

<sup>۱</sup> semantics

<sup>۲</sup> Greimas

<sup>۳</sup> structure

<sup>۴</sup> meaning construction

<sup>۵</sup> Anne Marie Dinesen

از دیرباز فلاسفه، منطقیون و زبان‌شناسان به مطالعه‌ی معنی توجه داشته‌اند و تعاریف بسیاری پیرامون این علم ارائه کرده‌اند. معنی‌شناسی یکی از روش‌های نقد ادبی و همچنین یکی از بخش‌های دانش زبان‌شناسی است که از نام یونانی sema یعنی «نشانه» و فعل semaino یعنی «معنی دادن» گرفته شده است. معنی‌شناسی از لحاظ مطالعه، پیچیده‌ترین و دشوارترین شاخه‌ی زبان‌شناسی است. البته برخی از دانشمندان معتقدند که نام معنی‌شناسی از اصطلاح فرانسوی semantique نشأت می‌گیرد. که نخستین بار در سال ۱۸۸۳ م. برآل<sup>۱</sup> آن را مطرح کرد و این واژه را بکار برد. (پالمر<sup>۲</sup>، ۱۳۶۶: ۱۴) نخستین بار و در سال ۱۸۹۴، در مقاله‌ای با عنوان «معنای منعکسه: نکته‌ای در معناشناسی» که به انجمن زبان‌شناسان آمریکا ارائه گردید، بررسی شد.

این دانش، مطالعه‌ی محتوای زبان است و هدف آن شناخت امکانات انتقال و عوامل بازدارنده‌ی ارتباط معنا میان کسانی است که با هم سخن می‌گویند. و مطالعه‌ی شبکه‌ی روابطی که میان صورت زبان و پدیده‌های خارج و مفاهیم ذهنی ما وجود دارد، در قلمرو معناشناسی قرار می‌گیرد. سید حسین نصر در مقدمه‌ای که بر کتاب معنی‌شناسی تألیف منصور اختیار نوشته است، معنی‌شناسی را این گونه تعریف می‌کند: «از علومی که تازه در مغرب متداول شده و هم علمی جدید و در عین حال کهن و تاریخی است، معنی‌شناسی است. این علم از تلفیق چند دانش دیگر در دو نیم قرن اخیر به وجود آمد. از یک سو زبان‌شناس، مسأله‌ی رابطه‌ی بین واژه‌های زبان‌های مختلف جهان و معنای این واژه‌ها در درون فرهنگ‌ها و محیط‌های گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد و از سوی دیگر روان‌شناسان رابطه‌ی فکر و زبان را اساس فنّ خود ساختند. بالاخره گروهی از فلاسفه که مهم‌ترین آنها «حلقه‌ی وین» را تشکیل دادند، به تجزیه و تحلیل دقیق زبان و روابط آن با معنی پرداختند.» (اختیار، ۱۳۴۸: دوم مقدمه)

معنی‌شناسی موضوع علوم گوناگونی قرار گرفته است. ادبیات، روان‌شناسی، فلسفه، منطق و... از جمله دانش‌هایی هستند که به معنی‌شناسی روی آوردند. در ادبیات، معنی‌شناسی به مواردی چون تشبیه، تضاد، ترادف، کنایه، ایجاز‌های ادبی و نماد توجه دارد و اینکه مراد از کاربرد کلمات به کدام معنی آنها و از اشاره به مطلبی چه قصدی در سر گوینده یا نویسنده پدیدار می‌شود، در ادبیات اهمیت بسیاری داشته است.

سید حسین نصر تأکید دارد که معناشناسی دانشی جدید نیست. بلکه این علم سابقه‌ی طولانی در بین مسلمانان دارد. وی در این زمینه می‌گوید: «معناشناسی برعکس آنچه تصور می‌شود تاریخی

<sup>1</sup> M. breal

<sup>2</sup> Frank.R. palmer

بس طویل دارد مخصوصاً بین مسلمانان. گرچه اشاراتی در آثار ارسطو و شارحان او دیده می‌شود. در اسلام از آنجا که بحث در مورد «حجّت»، اساسی است و وحی اسلامی مبتنی بر کتابی است که مسأله‌ی رابطه‌ی بین لفظ و معنی و سهم مشیّت الهی و اراده‌ی انسان را مطرح می‌سازد، معنی‌شناسی به‌طور جدّی‌تر دنبال شد. در آغاز متکلمان مخصوصاً معتزله بحث «حجّت» و رابطه‌ی «لفظ» و «معنی» را به‌طور جدّی مطرح کردند. سپس حتی فلاسفه‌ی مشایی به این امر پرداختند. چنانکه ابن‌سینا در منطق اشارات بحثی درباره‌ی دلالت پیش آورده و ضرورت آنرا در بحث‌های منطقی روشن کرده‌است. این علم در قرن اخیر به دست علمای شیعه به کمال رسید. اصول شیعه در قرن دوازدهم به بعد به مرحله‌ی عالی کمال رسید و مباحثی در کتب متأخرین در باب معنی‌شناسی مطرح شده است.» (همان: ۲)

در این پژوهش معنی‌شناسی زبانی مطرح می‌شود. این گونه معنی‌شناسی بخشی از دانش زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود. در معنی‌شناسی زبانی توجه معطوف به خود زبان است. معنی‌شناسی با مطالعه‌ی معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است و در اصل بازنمودهای ذهن انسان را بازمی‌کاود. معنی‌شناسی دانشی تقلیل‌گرا است. بنابراین، آنچه در محدوده‌ی دانش معنی‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، صرفاً معنی درون‌زبانی است و زبان نیز در این محدوده همانا زبان خودکار است؛ یعنی زبانی که به صورت روزمره برای ایجاد ارتباط همگانی به‌کار می‌رود. به این ترتیب، در معنی‌شناسی به آن معناهایی توجه می‌شود که بتوان از درون زبان دریافت کرد و نیازی به داشتن اطلاعاتی خارج از زبان نباشد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۱)

اگر زبان‌شناسی را مطالعه‌ی علمی زبان بدانیم، پس معنی‌شناسی را باید مطالعه‌ی علمی «معنی» فرض کنیم. منظور از مطالعه‌ی علمی، توصیف پدیده‌های زبانی در چهارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است.

محمود فضیلت در کتاب «معناشناسی و معانی در زبان و ادبیات» سه نظریه برای معنی‌شناسی و تحلیل آن در نظر گرفته است:

الف) نظریه‌ی دلالت

ب) نظریه‌ی ذهن‌گرایانه

ج) نظریه‌ی کاربردی معنا (فضیلت، ۱۳۸۵: ۸۱)

دلالت معنای هر عبارت است خالی از یک شیئی (واقعی) یعنی مدلول آن. چنین توصیفی از دلالت بی‌گمان این زاویه‌ی مهم از حقیقت را منعکس می‌کند که ما از زبان به منظور سخن گفتن



درباره‌ی جهان بهره می‌گیریم. ولی درمورد شناخت معنا به عنوان مدلول، دشواری‌هایی وجود دارد. (صفوی، ۱۳۷۵: ۱۸۳) که می‌تواند با جمله‌های زیر بیان شود:

اگر جمله ای معنا داشته باشد نتیجه گرفته می‌شود که باید مدلول داشته باشد.

اگر دو عبارت، مدلولی یکسان داشته باشد در آن صورت معنای یکسان خواهند داشت.

اگر آنچه درمورد مدلول یک عبارت صدق می‌کند درباره‌ی معنای آن نیز صدق کند؛ بسیاری از

عبارت‌هایی که می‌توانند به درستی بر شیئی واحدی دلالت کنند، معنای یکسان دارند.

در حوزه‌ی دلالت، عبدالقاهر گرگانی معنا را از لفظ برتر می‌شمارد و خاستگاه فصاحت و بلاغت را معنا می‌داند. از دیدگاه او بلاغت مربوط به معنی است نه به لفظ. موقعیت و رابطه‌ی جایگاه کلمه در جمله با معنی مشخص می‌شود. جاحظ بصری معنا را ناچیز و پیش‌پاافتاده می‌داند و زیبا سخن گفتن را بر معنا ترجیح می‌دهد. از نظر او، آهنگ سخن و انتخاب واژگان برتر و زیبایی سبک شاعرانه، اهمیت دارد. جاحظ، قدامه بن جعفر و ابوهلال عسکری را قائل به برتری لفظ بر معنی و عبدالقاهرگرگانی و فخر رازی را طرفدار برتری معنی بر لفظ و ابن قتیبه را قائل به اهمیت هر دوی آنها یعنی هم لفظ و هم معنی می‌شناسیم. (فضیلت، ۱۳۸۵: ۳۸)

«مولوی که از بزرگترین نظریه‌پردازان ایران در سده‌ی هفتم هجری است، نظر خود درباره‌ی معنا را این گونه مطرح می‌کند:

«حرف ظرف آمد درو معنی چو آب بحر معنی عنده ام الكتاب»

در این بیت معنی، کنه و ذات است که در ظرف محصور است. او همیشه از لفظ به «پوست» و

از معنی به عنوان لب و مغز یاد کرده است. (فضیلت، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

و اما نگاهی گذرا به پیشینه‌ی دلالت می‌اندازیم؛ اولین بار در قرن دوم هجری است که در نوشته‌های ایرانیان مسلمان به ارتباط میان اصوات با معانی برمی‌خوریم. علت توجه به «مخارج الحروف» که در هزار سال قبل به عنوان نام کتاب ابوعلی سینا درآمد، بررسی همین خصوصیت مربوط به تلفظ یا تجوید کلام قرآن بوده است.

تا قرن دهم هجری، بررسی دلالت لفظ بر معنی بسیار کند پیش می‌رفت ولی از آن به بعد توجه به این ارتباط بیشتر شد و علم «دلالت» نیز برای بهتر فهمیدن فقه و شریعت اسلامی جلوه‌گر شد. زیرا در قرآن کلمات و عبارات فراوانی است که این عبارات «سمبلیک» هستند. یعنی کلمات در مقام مجاز، استعاره و کنایه به کار برده شده‌اند. (اختیار، ۱۳۴۸: ۱۱۵ و ۱۱۶)

در اوایل مشروطیت در ایران، میرزا حسین نائینی در چند جزوه به بحث در قراردادی بودن الفاظ پرداخت. او یکسره امر طبیعی بودن رابطه‌ی لفظ و معنی را باطل دانست.

معنی‌دانان مسلمان برای دلالت توصیفی کرده‌اند که وصف آنها بیشتر شبیه وضعی است که در منطق یا ادبیات از نماد می‌شود. آنها تقریباً در این تعریف اتفاق نظر دارند و می‌گویند دلالت حالتی است در شیء که از علم به آن، علم به شیء دیگر حاصل آید.

نظریه‌ی ذهن‌گرایانه:

«مجموعه‌ی معانی ممکن هر واژه عبارت است از مجموعه‌ی احساسات، تصاویر ذهنی، تصورات، مفاهیم، اندیشه‌ها و استنتاجات ممکنه که امکان دارد شخص هنگام شنیدن و پردازش آن تولید کند. این نوع برداشت از معنا را می‌توان به این صورت بیان کرد: معنای هر واژه عبارت است از تصور ذهنی (یا تصویرهای ذهنی) مرتبط با آن واژه در ذهن سخن‌گویان.» (فضیلت، ۱۳۸۵: ۸۲)

## ۲-۲ معنی‌شناسی<sup>۱</sup> و زبان‌شناسی

اصطلاح زبان‌شناسی<sup>۲</sup> ظاهراً در پایان قرن هجدهم میلادی به هنگام طبقه‌بندی علوم مطرح شده است. اصطلاح مذکور نزد م.دنیس<sup>۳</sup> در کنار تاریخ ادبیات، کتاب‌شناسی، باستان‌شناسی، نقد ادبی، فن سخنوری، فن شعر (= بوطیقا) و به عنوان بخشی از فیلولوژی طبقه‌بندی شده است.

مطالعه در چارچوب زبان‌شناسی می‌تواند به معنی توصیف ساخت واژه‌ها یا بهتر بگوییم؛ توصیف کوچکترین واحدهای معنی‌دار زبان، یعنی تکواژها و جملات هر زبان در مقطع زمانی خاص باشد و نیز تعیین مفاهیم این واژه‌ها و جملات، یا به عبارت دیگر، تعیین معنی هریک از آنها در زمانی خاص تلقی شود. بررسی مسأله‌ی نخست، برحسب سنت، وظیفه‌ی دستور<sup>۴</sup> به شمار می‌رود و مسأله‌ی دوم به واژه‌نگاری<sup>۵</sup> در حوزه‌ی وسیع خود مربوط می‌شود که نه تنها معنی واژه‌ها، بلکه معنی جملات را تعیین می‌کند. (بورشه،<sup>۶</sup> و دیگران؛ ۱۳۸۹: ۹۷)

الگویی که زبان‌شناسان برای دانش زبان‌شناسی معرفی می‌کنند یک سوی آن آواشناسی و در سوی دیگر معنی‌شناسی قرار دارد. گاه نیز به صورت ساده انگاشته، الگویی را برای دستور در نظر می‌گیرند که از سه بخش واج‌شناسی، نحو و معنی‌شناسی تشکیل شده است.

<sup>۱</sup> semantics

<sup>۲</sup> Linguistic

<sup>۳</sup> M. Denis

<sup>۴</sup> Grammatik

<sup>۵</sup> Lexicography

<sup>۶</sup> T. Borche

### ۲-۳ معنی‌شناسی و نشانه‌شناسی

می‌توان معنی‌شناسی را مطالعه‌ی انتقال معنی از طریق زبان دانست. اما در این میان دانش عامی نیز وجود دارد که معنی‌شناسی تنها بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. این دانش همانا نشانه‌شناسی<sup>۱</sup> است. «نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها<sup>۲</sup>، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد. این علم به دست فردینان دوسوسور<sup>۳</sup> و به مثابه‌ی علمی که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد، طراحی شد.» (گیرو<sup>۴</sup>، ۱۳۸۰: ۱۳)

امروزه نشانه‌شناسی، دانش عام نشانه‌ها، نظام‌های نشانه‌ای و فرآیندهای دلالت نشانه‌ها در طبیعت و فرهنگ تلقی می‌شود. (صفوی؛ ۱۳۸۹: ۱۸۵) نشانه‌شناسی به طور کلی دانش درک معنی است و مسلماً معنی زبانی بخشی کوچک از آن را شامل می‌شود. نشانه‌شناسی نه فقط شامل چیزهایی می‌شود که ما در مکالمات روزمره «نشانه» می‌نامیم، بلکه مطالعه‌ی هرچیزی است که بر چیز دیگر «اشاره» دارد. از دیدگاه این علم، نشانه‌ها می‌توانند کلمات، تصاویر، اصوات، اطوار و اشیاء باشند. (چندلر<sup>۵</sup>، ۱۳۸۷: ۲۰)

امروزه نشانه‌شناسی، دانش عام نشانه‌ها، نظام‌های نشانه‌ای و فرآیندهای دلالت نشانه‌ها در طبیعت و فرهنگ تلقی می‌شود.

دو سنت در نشانه‌شناسی وجود دارد؛ نظریه‌ی اوّل متعلق به زبان‌شناس سویسی فردینان دوسوسور است و دیگری نظریه‌ی فیلسوف آمریکایی چارلز سندرس پیرس<sup>۶</sup> است.

سوسور در کتابش به نام «زبان‌شناسی عمومی» می‌گوید:

«می‌توان دانشی را تصوّر کرد که به مطالعه‌ی نقش نشانه‌ها به مثابه‌ی بخشی از زندگی می‌پردازد. این دانش بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و بخش دیگر باید روان‌شناسی عمومی باشد که ما آن را نشانه‌شناسی می‌نامیم. این دانش مشخص خواهد کرد که طبیعت نشانه‌ها و قوانین حاکم بر آنها کدام‌اند... قوانینی که نشانه‌شناسی کشف خواهد کرد در زبان‌شناسی قابل کاربرد خواهند بود

4 semiologie

5 code

6 F. De Saussure

7 Pierre Guiraud

1 Daniel chandler

2 Charles Sanders peirce

و زبان‌شناسی بدین‌سان موقعیت مشخصی در رشته‌های علوم انسانی بدست خواهد آورد.» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۵)

الگویی که سوسور معرفی می‌کند؛ دو بخشی است. او هر نشانه را مرکب از یک «دال» و یک «مدلول» می‌داند. در الگوی او نشانه یک کل است که از اتصال دال و مدلول به وجود می‌آید. برای چارلز پیرس فیلسوف، رشته‌ی مطالعاتی که او «نشانه‌شناسی» می‌نامید «نظریه‌ی صوری نشانه‌ها» بود که با منطق ارتباط نزدیکی داشت. پیرس که کاملاً مستقل از سوسور در آن سوی اقیانوس اطلس کار می‌کرد اصطلاحش را از فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم، جان لاک<sup>۱</sup> وام گرفت. (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۶)

برخلاف الگوی سوسوری، الگوی پیرسی از سه قسمت تشکیل شده است:  
نمود: شکلی که نشانه به خود می‌گیرد (که لزوماً مادی نیست)  
تفسیر: ادراکی که توسط نشانه به وجود می‌آید.  
موضوع: چیزی که نشانه به آن ارجاع دارد. (همان: ۶۰)

## ۲-۴ نماد

رمز یا symbol کلمه‌ای عربی است که در زبان عربی نیز به کار می‌رود «معنی آن به لب یا ابرو اشارت کردن است. در زبان فارسی به معنی‌های گوناگونی به کار رفته است. از جمله: اشاره، راز، سرّ، دقیقه، نکته؛ معماً؛ نشانه، اشارت کردن پنهان و نشانه‌ی مخصوصی که از آن مطلبی درک شود. و به طور کلی به معنی عدم صراحت و پوشیدگی است. رمزها در فرهنگ و تمدن انسانی جلوه‌های گسترده و متنوعی دارد. اساطیر و افسانه‌ها، رؤیایها و مکاشفات، عرفان و فلسفه و... هر یک به نحوی با رمز پیوند و تعلق دارد.» (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۱-۱۸)

«نماد (که مظهر و سمبل هم نامیده شده) نشان‌هایی است که نشانگر یک اندیشه، شیء، مفهوم و چگونگی و جز این‌ها می‌تواند باشد. نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش به‌طور طبیعی یا بر پایه‌ی قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند، پیوند داشته باشد. برای نمونه فروهر نماد مزداپرستی است.» (بهمنی، ۱۳۸۹: ۵) و در تعریفی کلی می‌توان گفت نماد، عبارت است از «چیزی مرتبط با چیزی دیگر که به آن معنا می‌بخشد یا نماینده‌ی آن است. البته مهم‌ترین نمونه نمادها در زندگی بشر را می‌توان در وادی زبان مشاهده کرد. «زبان» دربرگیرنده و انعکاس دهنده‌ی فرهنگ است. به این ترتیب، انسان همواره در چارچوب نمادها عمل می‌کند؛ نمادهایی که بنابر تعریف،

<sup>3</sup> John Locke